[**علل رکود تمدن اسلامی**](http://orqanoon.persianblog.ir/post/16/) نویسنده: نامدار - یکشنبه ٥ خرداد ۱۳٩٢

برای رکود تمدن اسلامی عوامل و علل  متعددی ذکر شده است . از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد

برای رکود تمدن اسلامی عوامل و علل  متعددی ذکر شده است . از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: استبداد

ب: دنیا گرایی

ج : تحجر

د: عقل گریزی

الف: استبداد

استبداد به معنی آن است که در کاری که نیاز به مشورت دارد به رأی خود عمل نماییم.

**نتایج استبداد**:

 از بین رفتن قانون، حقوق فردی و اجتماعی ودر یک کلام بی حقوقی مطلق در جامعه است .

از میان رفتن فردیت افراد: یکی از عوامل مهم رکود تمدن اسلامی استبداد لجام گسیخته دوره های اموی و عباسی و شرایطی بود که کمتر امکانی برای ابراز فردیت افراد متصور بود این شرایط به رکود فرهنگی، علمی و اجتماعی ودر نهایت رکود تمدن انجامید.

ب: دنیا گرایی

دومین عامل رکود تمدن اسلامی را می توان در دنیاگرایی حکومتها و دولتهای اموی و عباسی جستجو کرد.

ابن خلدون در نظریه معروفی 5 مرحله برای هر حکومت ذکر می کند:

1- پیروزی: این مرحله مربوط به پیدایش یک حکومت و نظام جدید سیاسی است. در این مرحله ساختاری های نظام قبلی برهم ریخته وهنوز ساختارهای جدید شکل نگرفته اند.

2- تثبیت: مرحله تثبیت شامل شرایطی است که حکومت پایه های خود را محکم نموده و ساختارهای خود را برقرار می نماید.

3-   دوران بهره گیری از قدرت:

این دوران که از آن به عنوان دوره تجمل، رونق اقتصادی وخود کامگی نیز یاد می شود ، شامل شرایطی است که در آن تن آسایی، بی تفاوتی نسبت به کار، رو آوردن به تجملات شکل می گیرد. در این مرحله حکومتها در شرایط بهره جویی از میوه قدرت قرار  می گیرند و روند تثبیت ، عملاً با کندی و حتی توقف مواجه می گردد.

4- دوران اوج:  در این مقطع با کند شدن روند تثبیت و استحکام پایه های حکومت و تمدن  نوعی دنیا گرایی، لذت جویی، تجمل بدون پشتوانه مادی شکل می گیرد وعملاً عصر غفلت  و ناتوانی در برابر تهدیدات خارجی آغاز می گردد. در چنین شرایطی حکومت ها روبه ضعف و رکود در تولیدات مادی و معنوی می روند و در سراشیبی غفلت می افتند.

5- دوران انحطاط وزوال: با فاصله گرفتن از میراث اولیه معنوی و اتمام پشتوانه های مادی  عملاً حکومتها در این مرحله وارد ضعف، زوال وانحطاط می شوند. این انحطاط نه تنها  حکومت که اساساً تمدن و فرهنگ را در بر می گیرد.

طی دوران های اموی و عباسی عملاً  شاهد شکل گیری همین روندها وبعضاً انحطاط زودرس هستیم. فضای دنیا گرایی عملاً  در این دوره مجال رشد توسعه  تمدن را نمی دهد  و بادنیا گرایی افراط گونه عملاً مسیر پیشرفت تمدن مسدود شد.

ج - تحجر:

تحجر به نوعی تفکر قالبی وجمود ذهنی گفته می شود. درواقع  فرد متحجر به کسی گفته می شود که مطلقاً حاضر به تغییر نگاه وعقیده خود نیست.

جریان های متحجر در دوره های مختلف تمدن اسلامی از جمله موانع پیشرفت این تمدن  و از اصلی ترین عوامل رکورد آن به شماره می­روند.

برخی از این جریانات را می­توان به شکل زیر طبقه بندی کرد:

***خوارج:***

خوارج  با شعار " کتاب خدا مارا بس است" نوعی دین خشک و متحجر که به نفعی عقل و خرد می پرداخت را ترویج می کردند و جایی  برای حکمت، تفکر وخردورزی باقی نگذاردند این گرایش که امروز نیز در میان برخی سلفی ها و هابیون به چشم می خورد. از جمله مهم ترین موانع پیشرفت تمدن اسلامی محسوب می شود.

***-       اخباریون:***

اخباریون به گرایشی گفته می شود که تنها به اخبارواحادیث توجه داشته وهمانند خوارج به تعطیل عقل و بسته شدن باب خردورزی و تفکر پرداختند. این گرایش نیز به نوبه خود همانند خوارج زمینه های رکود وایستایی تمدن و فرهنگ را درسرزمین های اسلامی در دوره های مختلف تاریخی فراهم آورد.

***-       معطله:***

گرایش دیگری که درایجاد زمینه های رکود فرهنگ وتمدن اسلامی نقشی مهم ایفا کرد گرایش معطله بود. معطله معتقد بودند آموزه های قرآن دست نیافتنی است در نتیجه تفکررا باید تعطیل کرد نتیجه طبیعی چنین تفکری بر جریان تمدن و فرهنگ  بسیار روشن است و ضربات مهمی از این ناحیه به پیشرفت فرهنگ وتمدن اسلامی وارد شد.

***-       عقل گریزی:***

عنصر مشترک میان گرایش های مختلفی که به نوعی موانعی برای رشد وپیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی بوجودآورند عنصر عقل گریزی بود.

در واقع خوارج، اخباریون ومعطله همگی به نوعی برناکارآمدی عقل ولزوم تکیه بر عناصری جز عقل وتفکر تاکید داشتند.

خلفای عباسی تا زمان متوکل به دلایل مختلف نسبت به فیلسوفان ودانشمندان اهمیت می دادند. با سرکارآمدن متوکل عباسی هر نوع مناظره و بحث در خصوص آراء و عقاید  ممنوع شد و مجازات سختی در پی داشت. افرادی نظیر احمد بن حنبل و غزالی بر این  گرایش صحه گذاشتند وحتی بحث تکفیر اهل عقل توسط غزالی مطرح گردید.

این گرایش ضربه مهمی بر پیشرفت فرهنگ وتمدن وارد آورد.

در کنار این عوامل درونی عواملی بیرونی نظیر جنگهای صلیبی و حمله مغول را  نیز می توان به عنوان عوامل رکود تمدن اسلامی مورد توجه قرار داد

|  |  |
| --- | --- |
|   نظرات ( 0)  |  |